

The policy capacity and its role in women's political participation (۱۹۹۷- ۲۰۲۰)

Abstact

In this paper, by explaining the different dimensions of policy capacity (policy line), the factors affecting women's political participation at the elite level, In the years ۱۹۹۷-۲۰۲۰, It was studied in three perspectives: individual, organizational and systemic, and in analytical, operational and political dimensions. The need to discuss the explanation of pathology in this area is one of the major policies of the country. The main question is to find the factors influencing political capacity in women's political participation at the elite level and Innovation of research in explaining the most important attitudes and dimensions of policy capacity that has led to the status of women's political participation at the elite level in these years. Because the research is exploratory, no hypothesis has been presented to report the facts without bias. This research has been done using Q_method to classify and score the propositions taken from the research literature. The statistical population includes ۴۰ people who are effective in implementing policies related to women's political participation at the elite level in public and private organizations, as well as individuals selected through these decisions. The results show that the most important influential factors are individual attitude in the analytical dimension and organizational attitude in the analytical dimension and the least effective systemic attitude in the operational dimension.

Keywords: Policy Capacity, Women's Political Participation, Policy Making, Executive Policies, Q method.

ماهنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۳، خرداد ۱۴۰۱، صص ۲۳۷-۲۰۹

ظرفیت سیاست و نقش آن در مشارکت سیاسی زنان (۱۳۷۶-۱۳۹۸)

زینب میرعلی سیدخوندی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

علی اشرف نظری^۱

صادق زیباکلام^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۸

چکیده

در این تحقیق با تبیین ابعاد مختلف ظرفیت سیاست (خط‌مشی)، عامل‌های تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان در سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۹ در سه نگرش فردی، سازمانی و سیستمیک و در ابعاد تحلیلی، عملیاتی و سیاسی بررسی شد. ضرورت بحث به سبب تبیین آسیب‌شناسی در این حوزه از سیاست‌گذاری‌های عمده‌ی کشور است. پرسش اصلی در پی یافتن عوامل تأثیرگذار ظرفیت سیاست در مشارکت زنان در سطح نخبه و نوآوری تحقیق در تبیین مهمترین نگرش‌ها و ابعاد ظرفیت سیاست است که مسبب وضعیت مشارکت زنان در سطح نخبه در سال‌های مذکور شده است. به دلیل این که تحقیق اکتشافی است، فرضیه، ارائه نشده تا بدون سوگیری، واقعیت‌ها گزارش شود. این تحقیق با استفاده از روش کیو برای طبقه‌بندی و امتیازدهی به گزاره‌های اخذ شده از ادبیات تحقیق صورت گرفته است. جامعه آماری، شامل ۴۰ نفر از افراد موثر در اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبه در سازمان‌های دولتی و خصوصی و همچنین افراد انتخاب شده به واسطه این تصمیم‌ها هستند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مهمترین عوامل تأثیرگذار، نگرش فردی در بُعد تحلیلی و نگرش سازمانی در بُعد تحلیلی و کمترین تأثیر را نگرش سیستمیک در بُعد عملیاتی داشته است.

کلیدواژه‌ها: ظرفیت سیاست، مشارکت سیاسی زنان، سیاست‌گذاری، سیاست‌های اجرایی، روش کیو.

^۱دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z.mirali62@gmail.com

^۲دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) aashraf@ut.ac.ir

^۳استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. szibakalam@ut.ac.ir

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، زنان در همه انتخابات می‌توانند شرکت کنند اما در مورد انتخاب شدن، مسأله به این شکل نیست. مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی در کشور ما در مقایسه با مردان، بسیار اندک است. در دو دهه اول انقلاب هیچ زنی در پست معاونت و یا مشاورت رئیس جمهوری و یا وزرای کابینه قرار نگرفته‌اند. به عنوان مثال، سهم زنان در بخش مدیریت دولتی در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ یعنی دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی نیز کمتر از ۳ درصد از کل پست‌های مدیریتی بوده است (عباس‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰، ۱۱). با این رویکرد درخصوص ساختار سیاسی ایران باید گفت دولت و سیاست در ایران در عین برخورداری از بسیاری اصول دموکراتیک، پدیده‌ای مردسالارانه هستند که در آن‌ها مشارکت سیاسی زنان به معنای رایج فردی آن برابر با زن زدایی است (بشیریه، ۱۳۸۴، ۴۰). علیرغم تلاش‌های زیادی که برای کاهش فاصله بین زنان و مردان در زمینه‌های مختلف صورت گرفته، هنوز سهم زنان در سیاست اندک است و حضور آن‌ها در هیأت‌های مختلف سیاسی، با توانایی‌شان تناسبی ندارد. این در حالی است که مشارکت سیاسی زنان از حقوق اولیه آن‌ها و از لوازم و نتایج توسعه همه‌جانبه یک کشور است (میرعلی و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۹).

تا کنون تحقیقات مختلفی نظیر یزدان پناه درو و همکاران (۱۳۹۶)، عابدی اردکانی و دیگران (۱۳۹۱)، علایی رحمانی (۱۳۸۳) و نظرزاده و دیگران (۱۳۹۳) با استفاده از رویکردهای مختلف نظری به مسأله مشارکت سیاسی زنان پرداخته‌اند. اما آنچه در این میان مغفول مانده این است که اساساً در اندیشه، ادبیات و سیاست‌های اجرا شده در این دو دهه (۱۳۷۶-۱۳۹۹) می‌توان برای زنان در سطوح عالی نقشی قائل بود؟ چنانچه در تئوری گفتمان حاکم در هر دوره، زنان دیده شده‌اند آیا این موضوع در سیاست‌گذاری‌های آن‌ها نیز قابل رویت است؟ همچنین به نظر می‌رسد حضور زنان در جایگاه‌های مهم تصمیم‌گیری با بخش‌های دیگری از گفتمان حاکم در تضاد است. لذا ضرورت دارد «ظرفیت سیاست»‌های به‌کار بسته شده بررسی و مواردی که مانع گسترش مشارکت سیاسی زنان در دو دهه گذشته شده است مشخص گردد. «ظرفیت سیاست» به عنوان یک نگرانی عمده مطرح شده است چرا که دولت‌ها برای حل مسائل به طور فزاینده پیچیده‌ای، فرا خوانده شده‌اند. پیچیدگی روزافزون بسیاری از مشکلات سیاسی معاصر همراه با افزایش انتظارات عمومی، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای اجرای سیاست‌های موثر ایجاد کرده است (هاولت و دیگران، ۱۳۸۰، ۷). چنین نگرانی‌هایی در بین

علاقمندان و تمرین‌کنندگان درباره ماهیت ظرفیت سیاسی، تعریف و ترکیب آن در دوران معاصر، موجب شکل‌گیری علاقه جدیدی شده است. ضرورت بحث، به دست دادن مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبه بر اساس عامل‌های ظرفیت سیاست است. تحلیل این موضوع سبب تبیین آسیب‌شناسی در این حوزه از سیاست‌گذاری‌های عمده‌ی کشور است. پرسش اصلی در پی یافتن عوامل تأثیرگذار ظرفیت سیاست در مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبه و نوآوری تحقیق در تبیین مهمترین نگرش‌ها و ابعاد ظرفیت سیاست است که مسبب وضعیت مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبه در سال‌های مذکور شده است. به دلیل این که تحقیق اکتشافی است، فرضیه ارائه نشده تا بدون سوگیری، واقعیت‌ها گزارش شود.

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی موضوع تأثیر ظرفیت سیاست بر مشارکت سیاسی زنان، اثری با زبان فارسی و لاتین منتشر نشده است اما در منابع لاتین، مفهوم «ظرفیت سیاست» در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است که می‌توان به چند نمونه از آن‌ها اشاره کرد:

دونالد. جی. سوا در سال ۲۰۰۳ کتابی با عنوان «STRENGTHENING THE POLICY CAPACITY OF GOVERNMENT» نگاشته است. وی در این کتاب به تشریح ظرفیت سیاست پرداخته و نتیجه گرفته است که تقویت توانایی دولت برای برنامه‌ریزی، تفکر استراتژیک و پیش‌بینی چالش‌های سیاسی هرگز نمی‌تواند تنها یک موضوع تکنوکراتیک باشد. به عقیده وی: «در حال حاضر در دموکراسی‌های آمریکایی آنگلو یک حس قوی وجود دارد که دولت دیگر قادر به انجام تفکر استراتژیک، پیش‌بینی چالش‌های سیاسی و حتی تدوین و تنظیم سیاست نیست».

گای پیترز نیز در مقاله «Policy Capacity in public administration» (۲۰۱۵) ضمن بررسی منابع سیاست، ساختارها و سازمان‌های سیاسی و ظرفیت سیاست بوروکراسی‌ها در موقعیت‌های تطبیقی به این نتیجه رسیده است که تمام سیستم‌های اداری برابر نیستند و بازیگران بوروکراتیک در حال رقابت با سایر نهادهای دولتی و همچنین به طور بالقوه با سایر بازیگران در جامعه هستند. بدین ترتیب، هر گونه اظهار نظر در مورد ظرفیت سیاست دیوانسالارانه، شامل بیان اظهارات در مورد ظرفیت سیاست‌های سایر بازیگران مرتبط نیز می‌شود.

“Policy capacity: A conceptual framework for understanding policy competences and capabilities” در سال ۲۰۱۵ توسط وو و دیگران نگاشته شده است. این مقاله چارچوبی مفهومی برای تجزیه، تحلیل و اندازه‌گیری ظرفیت سیاست ارائه می‌دهد که در آن ظرفیت سیاست به صلاحیت‌ها و توانایی‌های مهم برای سیاست‌گذاری اشاره دارد. آن‌ها معتقدند شکست‌های سیاست ناشی از عدم توجه به ویژگی‌های متفاوت ظرفیت سیاست است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. مشارکت سیاسی زنان

از جمله مسائل بسیار مهمی که نظام‌های سیاسی با آن مواجه هستند، مشارکت سیاسی است. از این واژه تعاریف متنوعی ارائه گردیده است. میلبراث آن را چنین تعریف می‌کند: «رفتاری که با قصد تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی صورت می‌گیرد». مایکل راش تعریفی کلی‌تر و عام‌تر از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد: «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی» (راش، ۱۳۷۷، ۱۲۳).

راش شاخص‌های مشارکت سیاسی را این گونه بر می‌شمارد: (۱) دارای پست سیاسی یا اجرایی، (۲) خواهان پست سیاسی یا اجرایی، (۳) عضو فعال سازمان سیاسی یا اجرایی، (۴) عضو فعال سازمان شبه سیاسی، (۵) عضو غیر فعال سازمان سیاسی یا اجرایی، (۶) عضو غیر فعال سازمان شبه سیاسی، (۷) شرکت در مباحث سیاسی غیر رسمی، (۸) علاقه‌مندی به شرکت در امور سیاسی، (۹) رأی دادن (راش، ۱۳۷۷، ۱۲۶). به طور کلی مشارکت سیاسی زنان در دو سطح توده و نخبگان قابل بررسی است. مشارکت سیاسی زنان در سطح نخبگان مد نظر این پژوهش است. مهم‌ترین ویژگی این سطح از مشارکت، حضور در وضعیت اخذ تصمیم برای جامعه است (مصفا، ۱۳۷۵، ۶۷-۶۶).

عوامل موثر بر منع زنان از سیاست

الف) ایدئولوژی جنسیتی دولت

تا همین اواخر وجود یک ساختار دموکراتیک با سیستم انتخاباتی باز و عادلانه به معنای اهمیت دادن به حضور زنان در عرصه سیاست بود و به مشارکت سیاسی زنان معنا می‌داد. اگرچه ایدئولوژی جنسیتی دولت به طور معمول در قوانین اساسی هر جامعه و چارچوب آن مشخص می‌گردد که می‌تواند تایید یا تحمیل یا حتی مخالفت نظام سیاسی را با حضور زنان در سیاست و عرصه عمومی منعکس کند. درصد و سطح حضور زنان در سیاست به میزان قابل توجهی به ایدئولوژی حاکم بر دولت و نظام سیاسی بستگی دارد (ابطحی، ۱۳۹۴، ۸۲-۶۵).

ب) موانع فرهنگی - اجتماعی

دومین عامل از موانع مشارکت سیاسی زنان موانع فرهنگی و اجتماعی از جمله ایدئولوژی مذهبی است. این موانع، متاثر از باورها و نگرش‌های فرهنگی و مذهبی مردانه سیاستمداران جامعه است. چگونگی نگاه مردم و افکار عمومی جامعه تا حد زیادی در انتخاب و توجه به جایگاه زنان موثر و سرنوشت ساز است. کشورهای مسلمان محافظه‌کارترین نگرش را نسبت به زنان به عنوان رهبران سیاسی دارند اگر چه این امر مرتبط با کشورهایی که زنان در جایگاه رهبران سیاسی قرار گرفته‌اند، نمی‌شود مانند پاکستان، بنگلادش، اندونزی (ابطحی، ۱۳۹۴، ۸۲-۶۵). در بحث موانع فرهنگی - اجتماعی، نظریه تفاوت جنسیتی نیز وجود دارد که جهت تبیین نهادی تفاوت‌های جنسیتی بر کارکردهای متمایز زنان در زایمان و مراقبت از کودکان تأکید می‌کند. هر چند برخی از متفکران تبیین نهادی تفاوت‌های جنسیتی، تقسیم کار جنسیتی را به عنوان ضرورت اجتماعی می‌پذیرند، اما برخی دیگر معتقدند که در عرصه‌های جداگانه زندگی زنان و مردان ممکن است که با الگوهای گسترده‌تر نابرابری جنسیتی ارتباط داشته باشند (واعظی، ۱۳۹۷، ۲۹). با این حال، همه بر سر این موضوع که بین انتخاب‌کنندگان و منتخبین یک نوع عدم تناسب به چشم می‌خورد، متفق‌القول هستند. استمرار در نرخ پائین نمایندگی هر گروهی از دسته‌جات اجتماعی، به خودی خود نشانگر وجود یک مشکل است (فلیپس، ۲۰۱۴، ۹).

ج) موانع نهادی و ساختاری

بسیاری از محققان موانع ساختاری و نهادی را مهمترین عامل می‌دانند. این عامل محدودیت‌هایی را در بردارد از جمله: سیستم‌های سیاسی، قوانین انتخاباتی، ساختار سیاسی احزاب، فرهنگ سازمانی و روند تامین مالی مبارزات انتخاباتی که تمایل به تبعیض علیه زنان دارند. مثال بارز آن مکانیزم حاکم بر ساختار سیاسی احزاب در جهت محدود کردن ورود زنان مجرب و با تجربه به جایگاه‌های تصمیم‌گیری است (Hoodfar and others, ۲۰۱۱, ۲۰-). در این زمینه می‌توان به رد صلاحیت زنان در انتخابات ریاست جمهوری و همچنین بی‌تأثیر بودن تحسن سال ۱۳۸۴ توسط جامعه اسلامی زنان اشاره داشت (احمدی خراسانی، ۱۳۹۱، ۱۸۱).

د) موانع سیاسی

صاحب‌نظران حوزه‌ی جامعه‌شناسی بر این باورند که بین نظام‌های دموکراتیک و کثرت‌گرا و مشارکت سیاسی رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. چنانچه براساس نظر هانتینگتون نظام‌های دموکراتیک نهادینه شده، بهتر می‌توانند مشارکت سیاسی مردم را تضمین و زمینه‌ی گسترش آن را مهیا سازند (پیشگاهی و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۰-۳۹).

رابرت دال نیز بر این باور است که رابطه‌ی مستقیم بین نظام دموکراتیک و مشارکت سیاسی وجود دارد. از ویژگی‌های حکومت اقتدارگرا تداوم اندیشه‌ی مردسالاری است. درحقیقت پدرسالاری شکلی از سازمان‌های اجتماعی و سیاسی است که در آن زن نه حق دخالت در سیاست را دارد و نه از حقوق مربوط به مشارکت در حیات جمعی برخوردار است (ساروخانی، ۱۳۷۶، ۲۵۶). در این نوع حکومت‌ها انحصار قدرت در دست مردان است و برای کسی زندگی خصوصی قائل نیستند، از لحظه تولد تا هنگام مرگ در زندگی فرد دخالت می‌کنند و به هر دلیل یا به هر بهانه در آن سرک می‌کشند (مختاری، ۱۳۷۸، ۱۳۰). با این رویکرد درخصوص ساختار سیاسی ایران باید گفت دولت و سیاست در ایران با این‌که در بسیاری موارد از اصول دموکراتیک تبعیت می‌کنند اما با این حال، پدیده‌ای مردسالارانه هستند که در آن‌ها مشارکت زنان در زندگی سیاسی برابر با زن زدایی است (بشیریه، ۱۳۸۴، ۴۰). در چنین ساختاری مردان با تمرکز و انحصار همه جانبه‌ی قدرت، مشارکت سیاسی زنان را محدود و در صورت توانایی نبود می‌کنند و برای تولید و بازتولید نظام سیاسی خود، توجیه، تثبیت و مشروعیت بخشیدن به

نابرابری بین زن و مرد، از دانش‌هایی که طی قرون متمادی در عرصه‌های فرهنگی و ایدئولوژی، اجتماعی و... تولید کرده‌اند بهره می‌گیرند (پیشگاهی و دیگران، ۱۳۸۹، ۴۰). به عبارتی شاید مهمترین موانع سیاسی مشارکت زنان را بتوان در ساختار مردسالارانه‌ی سیاست در ایران و دانش‌هایی دانست که به واسطه‌ی آن‌ها نابرابری بین مردان و زنان توجیه می‌شود (صمدی‌راد، ۱۳۸۵، ۱۰۵).

ه) موانع قانونی

پیش از انقلاب طبق قانون، تشخیص حضانت فرزندان زوج‌های مطلقه به دادگاه سپرده شده بود، ولی هم اکنون، حضانت بر عهده‌ی پدر است؛ دیه‌ی زنان با مردان متفاوت است؛ سهم ارث زنان از مردان کمتر است؛ زنان برای مسافرت باید از شوهران خود مجوز کتبی داشته باشند و قوانین از زنان و دخترانی که در خانه در معرض خشونت قرار می‌گیرند به طور صریح دفاع نمی‌کند (جلائی‌پور، ۱۳۸۵، ۵۲). در مورد حقوق زنان برای انتخاب شدن و حضور در مجلس شورای اسلامی بحث‌های زیادی صورت گرفته است و نظرات متفاوتی وجود دارد که به طور کلی آن‌ها را می‌توان در دو طیف بررسی کرد:

مخالفان حضور زنان در مجلس؛ این گروه معتقدند شرع برای حضور زنان در عرصه اجتماع موارد استثنایی قائل شده است و به طور کلی شرکت زنان در یک مرکز مهم تصمیم‌گیری که مربوط به سرنوشت یک ملت است درست نیست (علیزاده، ۱۳۸۲، ۱۱۶).

دیدگاه دوم؛ طرفداران این گروه معتقدند، مطابق با قانون اساسی نمی‌توان زنان را از انتخاب شدن محروم کرد. چنان که در اصل ۲۱ قانون اساسی آمده است که دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او تدابیر لازم را اتخاذ نماید. علاوه بر این، بند ۱۴ قانون اساسی نیز بر اصل تساوی عمومی در مقابل قانون تاکید دارد (امام خمینی، ۱۳۶۱، ۳۲-۲۰).

مطابق با اصول قانون اساسی، زنان برای حضور در جمع حقوقدانان و فقهای شورای نگهبان نیز با منع قانونی روبه‌رو نیستند. چنانچه در مورد شرایط فقهای قانون اساسی تنها به احتراز دو شرط عدالت و فقاهاست و در مورد حقوقدانان اصل ۹۱ قانون اساسی تنها به شرط مسلمان بودن اکتفا می‌کند (مدنی، ۱۳۶۶، ۲۰). زنان برای حضور در آخرین نهاد قانونگذاری یعنی مجمع

تشخیص مصلحت نظام نیز با منع قانونی روبه رو نبوده و می‌توانند با عنوان اعضای حقیقی یا حقوقی در این مجمع به فعالیت بپردازند (احمدی، ۱۳۸۳، ۵۲-۵۱). در کنار قوه‌ی مقننه می‌توان از قوه‌ی مجریه نیز یاد کرد. در ایران این قوه، مرکب از نهاد ریاست جمهوری و هیئت وزیران و معاونان رئیس جمهور است (حسنی، ۱۳۶۹، ۱۶). اولین بخش در قوه مجریه نهاد ریاست جمهوری است (مدنی، ۱۳۶۹، ۱۳۹) که مطابق قانون اساسی، از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب می‌گردد که در طول حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ یک از بانوان ایرانی نتوانستند به تصدی مقام ریاست جمهوری دست یابند. هیأت وزیران از دیگر زیرمجموعه‌های قوه‌ی مجریه است که نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری‌های کشوری ایفا می‌کند (حسنی، ۱۳۶۹، ۶۳-۶۲). به موجب اصل ۱۲۴ قانون اساسی، رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف خود معاونانی نیز داشته باشد (امین، ۱۳۷۳، ۵۶). در قانون اساسی شرایط خاصی برای به عهده گرفتن این دو مقام عنوان نشده است. لذا زنان برای تصدی این پست‌های کلیدی با منع قانونی روبه‌رو نبوده و می‌توانند به ایفای نقش بپردازند.

۲-۳. ظرفیت سیاست

پیتر و پی‌یر (۲۰۰۵)، در تعریفی که از «ظرفیت سیاست» به دست داده‌اند آن را «توانایی مدیریت منابع لازم برای انتخاب گزینه‌های هوشمندانه، به ویژه برای تعیین مسیرهای استراتژیک و تخصیص منابع کمیاب به اهداف عمومی» تعریف کرده‌اند (Painter and others, ۲۰۰۵, ۱-۸). در این تعریف ظرفیت سیاست شامل مهارت‌ها و منابع اضافی است، اما می‌توان ویژگی‌های ظرفیت سیاست را به استخراج و استفاده از دانش مرتبط با سیاست، توانایی برای انتخاب گزینه‌ها، استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و کمی در جهت حل مشکلات سیاسی، استفاده موثر از ارتباطات و استراتژی‌های مدیریت ذینفعان نیز شامل دانست (Howlett, ۲۰۰۹, ۱۷۵-۱۵۳). همچنین افرادی نظیر دیویس (۲۰۰۰)، گستره ویژگی‌های ظرفیت سیاست را بیشتر می‌دانند و معتقدند ظرفیت سیاست باید مشتمل بر توانایی

دولت‌ها در اجرای راه‌های انتخابی مناسب و همچنین تصمیم‌گیری بر روی آن‌ها باشد. اما با این‌حال پارسونز (۲۰۰۴) بحث ظرفیت سیاست را با مدیریت حکومتی پیوند داده است و ظرفیت تعیین شده در سیاست را به عنوان عملکرد «درهم ترکیب کردن» دولت‌های مدرن، توانایی پیوستن به چندگانگی سازمان‌ها و منافع برای ایجاد یک خط مشی سیاسی منسجم تعریف می‌کند (پارسونز، ۲۰۰۴، ۴۳-۵۷).

جدول ۱: ظرفیت سیاست، مهارت‌ها و منابع

| | | | |
|---------------------|-----------------------|----------------------|---|
| سیاسی | عملیاتی | مفهومی - تحلیلی | سطوح منابع و توانایی‌ها مهارت‌ها و شایستگی‌ها |
| ظرفیت سیاسی فردی | ظرفیت عملی فردی | ظرفیت تحلیلی فردی | فردی |
| ظرفیت سیاسی سازمان | ظرفیت عملیاتی سازمانی | ظرفیت تحلیلی سازمان | سازمانی |
| ظرفیت سیاسی سیستمیک | ظرفیت عملی سیستمیک | ظرفیت تحلیلی سیستمیک | سیستمیک (نظام‌مند) |

آنچه در این تحقیق درباره ویژگی‌های ظرفیت سیاست مدنظر است، تعریفی است که مور (۱۹۹۵)، از دیدگاه مدیریت عمومی به آن پرداخته و الگویی از یک «مثلث استراتژیک» را پیشنهاد داده که تمام عوامل ارزش عمومی، مشروعیت، حمایت و ظرفیت سازمانی را در خود داشته و در عملکرد سازمان‌های دولتی و خصوصی تأثیرگذار است. بر اساس نظر مور (۱۹۹۵)، مهارت‌های اصلی یا صلاحیت‌هایی که تشکیل دهنده ظرفیت سیاست هستند به سه نگرش تحلیلی، عملیاتی و سیاسی قابل تقسیم بندی هستند که هر کدام از آن‌ها شامل منابع یا توانایی‌هایی در سه سطح مختلف فردی، سازمانی و سیستمیک هستند (Innes and others, ۱۷- ۱۴, ۲۰۰۲). منظور از سطح فردی، افرادی دارای ظرفیت و مهارت هستند که در فهم

مشکلات و فرصت‌ها راهگشا هستند. تغییر در ظرفیت در سطوح دیگر به ارتقاء ظرفیت در سطح فردی وابسته است.

در سطح سازمانی، ظرفیت سازمان‌ها بر اساس واکنش سریع به تغییرات، شبکه‌دهی شدن آن‌ها و کار جمعی‌شان مشخص می‌شود که در آن‌ها اطلاعات در جهت‌های مختلف و نه فقط بالا به پایین جریان دارند (Healey and others, ۲۰۰۳, ۷۰-۷۴). سیستم حاکمیتی که دارای ظرفیت باشد، بازیگران را به اطلاعات، ابزارها، منابع و مکانیزم‌های ارتباطی برای تسهیل مشارکت تجهیز می‌کند. سایر شاخصه‌های ظرفیت حاکمیت، شامل فضایی برای اعتماد و تاکید بر روی علایق گوناگون است.

۴. روش تحقیق

بر اساس آنچه اهداف تحقیق منوط به آن است، روش کیو برای دسته‌بندی داده‌ها انتخاب شد. در مرحله مرتب‌سازی از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود که گویه‌ها را از نظر شخصی خود با توجه به اولویت‌ها، قضاوت‌ها و یا احساساتشان درباره موضوع تحت بررسی، عمدتاً در توزیعی نرمال رتبه‌بندی و جانمایی کنند. این کار به کمک جدول مرتب‌سازی مشابه شکل زیر صورت می‌گیرد. جدول شبیه توزیع نرمال است و محقق آن را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که تعداد خانه‌های آن برابر با تعداد گویه‌های پژوهش باشد (پویا و دیگران، ۱۳۹۲، ۹۲).

| کاملاً موافق | | | | کاملاً مخالف | | | | |
|--------------|---|---|---|--------------|---|---|---|---|
| ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | ۰ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |
| | | | | | | | | |

تصویر ۱: نمونه جدول مرتب‌سازی

۵. یافته‌ها

۵-۱. تحلیل داده‌ها

انتخاب عبارات نمونه کیو، طی مراحل مشخصی صورت گرفت. عبارات به منظور شکل دادن به فضای گفتمان تحقیق، همچنین ارزیابی و جمع بندی فضای گفتمان مشخص شدند و سپس از میان آن‌ها گزاره‌های نمونه کیو اخذ گردیدند. پس از گردآوری مطالب مورد نظر، نیاز بود که آن‌ها به عبارات و جملات کوتاه، مجزا و مشخص تبدیل گردد. با بررسی تحقیقات مشابه در زمینه مفهومی- تحلیلی، عملیاتی و سیاسی که هر یک از این سه سطح شامل منابع یا توانایی‌هایی در سه بُعد مختلف فردی، سازمانی و سیستمیک است، مجموعاً تعداد ۸۰ عبارت به عنوان عوامل موثر استخراج گردید. در این مرحله، گزاره‌های حاصل از انجام مراحل قبل در اختیار دو تن از خبرگان امر قرار گرفت و از آنان خواسته شد تا تعداد ۴۰ عبارت را به عنوان عبارات نمونه کیو انتخاب کنند. پس از دریافت نظرات این خبرگان و احصای مشابته‌ها، حذف عبارات‌های مشابه و تکراری و رفع ابهام آن‌ها، تعداد ۴۰ عبارت به عنوان عبارات نهایی کیو برای پژوهش حاضر انتخاب گردید. در ادامه، عبارات نهایی نمونه کیو در جدول ۲ مشخص شده‌اند. در روش کیو برای دستیابی به دیدگاه‌های مختلف درباره یک موضوع، اصولاً بین ۲۰ تا ۸۰ نمونه از افراد بررسی می‌شوند (Tuler, ۲۰۰۵, ۸). بر اساس کفایت تعداد این افراد است که نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری احتمالی نیست بلکه افراد معمولاً به طور هدفمند و با اندازه‌ای کوچک انتخاب می‌شوند. در این پژوهش نیز تعداد ۴۰ نفر از میان افرادی که به دلایل شغلی مرتبط با موضوع مورد بحث در تحقیق هستند در دو طبقه «کارگزاران تصمیم‌گیری در زمینه خط‌مشی‌ها» و «کارگزاران منتخب در زمینه خط‌مشی‌ها» انتخاب و شناسایی شدند که اغلب دارای مشاغل و مسئولیت‌های بزرگ و مهم بوده و دسترسی به آن‌ها با پیچیدگی و دشواری‌هایی همراه بود.

جدول ۲: عبارات نهایی نمونه کیو

| کد | گزاره‌ها/ نمونه |
|----|--|
| ۱ | نگرش مردسالارانه در سیاست اجرایی بر تحلیل فردی مجریان و بر مشارکت سیاسی زنان |

| | |
|----|---|
| | نخبه تأثیر دارد. |
| ۲ | ایدئولوژی جنسیتی دولتی در شکل فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳ | باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۴ | دستور به کاهش یافتن ۸ سال برای متوسط سابقه خدمت مدیران در جذب زنان نخبه در پست‌های مدیریتی و مشارکت سیاسی آن‌ها تأثیر داشته است. |
| ۵ | نگرش مردسالارانه در سیاست اجرایی که جنبه سازمانی دارد بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر دارد. |
| ۶ | روند تأمین مالی مبارزات انتخاباتی در شکل فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۷ | مکانیزم حاکم بر ساختار سیاسی احزاب بطور فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۸ | ابلاغ افزایش ۳۰ درصد بیشتر شدن مشارکت زنان نخبه در پست‌های مدیریتی در انتصاب آن‌ها و مشارکتشان تأثیر داشته است. |
| ۹ | نگرش مردسالارانه در سیاست اجرایی که شکلی سیستمیک است بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر دارد. |
| ۱۰ | خط‌مشی سیاسی دستورالعمل‌ها و بخش نامه‌ها، با توجه به خط‌مشی سیاسی فردی، بر مشارکت سیاسی زنان نخبه موثر بوده است. |
| ۱۱ | قوانین انتخاباتی (بویژه در شورای نگهبان) بطور فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۱۲ | موانع قانونی (بویژه در نهادهایی نظیر قوه مجریه و قضاییه) بطور فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۱۳ | فشارهای ایدئولوژیک در سطح عملیاتی - سازمانی و باز بودن دست انتخاب‌های فردی در این زمینه بر ظرفیت عملی فردی و گسترش مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیرگذار بوده است. |

| | |
|----|--|
| ۱۴ | ایدئولوژی جنسیتی دولتی در شکل سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۱۵ | باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۱۶ | ارائه اقدامات علمی و پژوهشی در زمینه موضوعات مدیریتی یا حوزه‌های تخصصی مرتبط با دستگاه متبوع باعث مشارکت زنان نخبه شده است. |
| ۱۷ | فشارهای ایدئولوژیک در سطح عملیاتی - سازمانی بر ظرفیت عملی فرد و عدم گسترش مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیرگذار بوده است. |
| ۱۸ | روند تأمین مالی مبارزات انتخاباتی در شکل سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۱۹ | مکانیزم حاکم بر ساختار سیاسی احزاب بطور سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۲۰ | شرط تصدی پست‌های مدیریتی؛ بدون توجه به سابقه مدیریتی، در مشارکت زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۲۱ | فشارهای ایدئولوژیک در سطح عملیاتی با توجه به قرائت‌های مختلف از قانون و مفهوم راجل سیاسی بر ظرفیت عملی سیستمیک و گسترش مشارکت سیاسی زنان تاثیرگذار بوده است. |
| ۲۲ | خط‌مشی سیاسی دستورالعمل‌ها و بخش نامه‌ها با توجه خط‌مشی سیاسی سازمان بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیرگذار بوده است. |
| ۲۳ | قوانین انتخاباتی (بویژه در شورای نگهبان) بطور سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۲۴ | موانع قانونی (بویژه در نهادهایی نظیر قوه مجریه و قضاییه) بطور سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته است. |
| ۲۵ | مهمترین مانع مشارکت سیاسی زنان نخبه سابقه خدمت نیست زیرا خط‌مشی سیاسی فردی برای مشارکت دادن آن‌ها اهمیت بیشتری دارد. |
| ۲۶ | ایدئولوژی جنسیتی دولتی در شکل سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تاثیر داشته |

| | |
|----|---|
| | است. |
| ۲۷ | باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۲۸ | کنار هم قرار دادن تسهیل شرایط مشارکت زنان و جوانان در تصدی پست‌های مدیریت حرفه ای و افزایش سهم و نقش زنان در مشارکت زنان نخبه تأثیرگذار بوده است. |
| ۲۹ | ابلاغ افزایش ۳۰ درصد بیشتر شدن مشارکت زنان به علت خط‌مشی سیستمیک، و به علت ناچیز بودن مشارکت زنان نخبه در دوره‌های پیش، تأثیر عمده‌ای در کل نداشته است. |
| ۳۰ | روند تأمین مالی مبارزات انتخاباتی در شکل سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است |
| ۳۱ | مکانیزم حاکم بر ساختار سیاسی احزاب بطور سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳۲ | کم کردن سابقه مدیریتی از ۱۵ سال به ۱۰ سال در مشارکت زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳۳ | جوانگرایی باعث مشارکت سیاسی زنان نخبه بر اساس خط‌مشی سازمان نشده است. |
| ۳۴ | خط‌مشی سیاسی دستورالعمل‌ها و بخش نامه‌ها با توجه به خط‌مشی سیاسی سیستمیک، بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیرگذار بوده است. |
| ۳۵ | قوانین انتخاباتی (بوئزه در شورای نگهبان) بطور سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است |
| ۳۶ | موانع قانونی (بوئزه در نهادهایی نظیر قوه مجریه و قضاییه) بطور سیستمیک در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳۷ | نگرش به جوانگرایی و توجه به انتصاب نشدن افراد داری ۲۵ سال سابقه خدمت و یا سن بیشتر از ۵۵ سال در پست‌های مدیریتی در مشارکت زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳۸ | اولویت دادن به زنان و جوانان در شرایط مساوی شایستگی‌های عمومی و تخصصی برای انتخاب مدیران حرفه ای در مشارکت زنان نخبه تأثیر داشته است. |
| ۳۹ | تأسیس دفتر امور مشارکت زنان در حضور زنان نخبه در کابینه تأثیر داشته است. |
| ۴۰ | انتصاب زنان به عنوان فرماندار در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است. |

هر کدام از عبارات جدول فوق، با کد مربوط به هر کدام از آن‌ها بر روی یک کارت کیو نوشته شد. این کارت‌ها از نظر ظاهری (شکل، رنگ، اندازه، قلم، سبک نگارش و ...) کاملاً با یکدیگر یکسان بودند. سپس این کارت‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت تا اقدام به قرار دادن هر کدام از آن‌ها بر روی نمودار کیو کنند. سپس نحوه امتیازدهی هر کدام از مشارکت‌کنندگان، توسط فرم مخصوصی که برای این منظور طراحی گردیده بود، ثبت و جمع‌آوری گردید. داده‌های حاصل در نرم افزار SPSS وارد گردید تا به کمک تحلیل عاملی کیو ذهنیت‌های مختلف این مشارکت‌کنندگان شناسایی گردد و به کمک آن به سوالات پژوهش پاسخ داده شود.

۵-۲. تحلیل آماری داده‌های حاصل از مرتب سازی

تحلیل عاملی کیو

در این مرحله از پژوهش، به منظور شناسایی ذهنیت‌های مشابه بین مشارکت‌کنندگان بر خلاف مرحله قبل که از روش کیفی استفاده شد، از ابزار آماری تحلیل عاملی کیو استفاده گردید. روش تحلیل عاملی، اصلی‌ترین روش آماری برای تحلیل ماتریس داده‌های کیو است. مبنای این روش نیز همبستگی میان افراد است. از این رو از عبارت «تحلیل عاملی کیو» استفاده می‌شود تا تاکید شود در فرآیند تحلیل عاملی، «افراد» به جای «متغیرها» دسته بندی می‌شوند. با وجود این، به لحاظ آماری هیچ اختلافی بین تحلیل عاملی کیو و تحلیل عاملی عادی وجود ندارد (خوشگویان‌فر، ۱۳۸۶، ۶۷). جهت انجام تحلیل عاملی از «ماتریس همبستگی» که روشی موسوم و معمول است، استفاده شد. عامل‌ها به روش واریمکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. اعداد استخراج شده از تحلیل عاملی کیو به روش مولفه‌های اصلی هستند. سه نظریه در ارتباط با بارهای عاملی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که باید بارهای عاملی بالاتر از ۵۰٪ باشند، عده‌ای دیگر معتقدند که بارهای عاملی باید بالاتر از ۳۰٪ باشند (رامین مهر و دیگران، ۱۳۹۴، ۲۰۹). طبق نظریه‌ی اول، بارهای عاملی تمام مشارکت‌کنندگان معنی‌دار است که در جدول ۳ مشخص شده‌اند.

جدول ۳: بارهای عاملی معنی دار

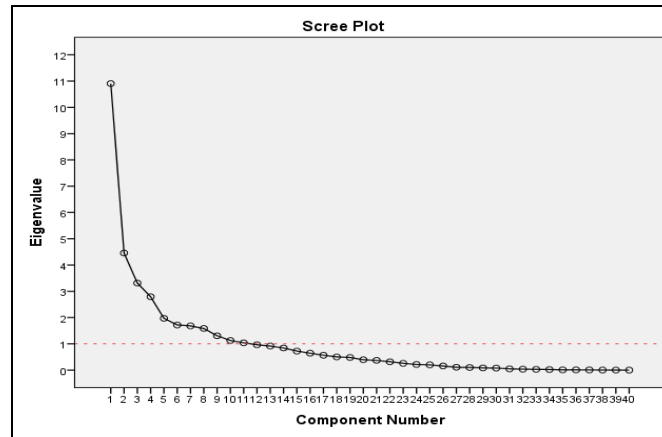
| بار اشتراکی | مشارکت کنندگان | بار اشتراکی | مشارکت کنندگان | بار اشتراکی | مشارکت کنندگان | بار اشتراکی | مشارکت کنندگان |
|-------------|----------------|-------------|----------------|-------------|----------------|-------------|----------------|
| ۰.۷۸۲ | A۳۱ | ۰.۷۳۳ | A۲۱ | ۰.۸۳۵ | A۱۱ | ۰.۷۰۵ | A۰۱ |
| ۰.۶۷۴ | A۳۲ | ۰.۸۰۸ | A۲۲ | ۰.۷۶۴ | A۱۲ | ۰.۶۵۱ | A۰۲ |
| ۰.۸۵۱ | A۳۳ | ۰.۷۲۷ | A۲۳ | ۰.۸ | A۱۳ | ۰.۶۸ | A۰۳ |
| ۰.۷۷۷ | A۳۴ | ۰.۸۷۹ | A۲۴ | ۰.۸۱۶ | A۱۴ | ۰.۸۶۸ | A۰۴ |
| ۰.۸ | A۳۵ | ۰.۸۶۱ | A۲۵ | ۰.۷۱۳ | A۱۵ | ۰.۷۹۶ | A۰۵ |
| ۰.۷۵۸ | A۳۶ | ۰.۸۵۴ | A۲۶ | ۰.۷۴۵ | A۱۶ | ۰.۸۷۶ | A۰۶ |
| ۰.۷۹ | A۳۷ | ۰.۷۹۴ | A۲۷ | ۰.۸۲۲ | A۱۷ | ۰.۸۶۴ | A۰۷ |
| ۰.۷۳۱ | A۳۸ | ۰.۷۸۸ | A۲۸ | ۰.۸۱۶ | A۱۸ | ۰.۸۸۱ | A۰۸ |
| ۰.۸۲۶ | A۳۹ | ۰.۸۰۹ | A۲۹ | ۰.۸۲۹ | A۱۹ | ۰.۸۱۴ | A۰۹ |
| ۰.۸۶ | A۴۰ | ۰.۷۹۶ | A۳۰ | ۰.۹۰۷ | A۲۰ | ۰.۸۱۳ | A۱۰ |

مقدار واریانس کل تبیین شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۴: واریانس کل تبیین شده

| مجموعه مجذورات دوران یافته | | | مقادیر ویژه | | | ابعاد |
|----------------------------|--------------|--------|-------------|--------------|--------|-------|
| درصد تجمعی | درصد واریانس | جمع کل | درصد تجمعی | درصد واریانس | جمع کل | |
| ۲۱.۸۳۲ | ۲۱.۸۳۲ | ۸.۷۳۳ | ۲۷.۲۶۵ | ۲۷.۲۶۵ | ۱۰.۹۰۶ | ۱ |
| ۳۰.۳۳۶ | ۸.۵۰۴ | ۳.۴۰۲ | ۳۸.۴۰۴ | ۱۱.۱۳۹ | ۴.۴۵۶ | ۲ |
| ۳۷.۷۳۸ | ۷.۴۰۳ | ۲.۹۶۱ | ۴۶.۶۸۴ | ۸.۲۸۰ | ۳.۳۱۲ | ۳ |
| ۴۴.۹۲۱ | ۷.۱۸۳ | ۲.۸۷۳ | ۵۳.۶۶۴ | ۶.۹۸۰ | ۲.۷۹۲ | ۴ |
| ۵۱.۳۸۵ | ۶.۴۶۴ | ۲.۵۸۶ | ۵۸.۵۸۹ | ۴.۹۲۵ | ۱.۹۷۰ | ۵ |
| ۵۶.۶۹۷ | ۵.۳۱۱ | ۲.۱۲۴ | ۶۲.۸۸۳ | ۴.۲۹۴ | ۱.۷۱۸ | ۶ |
| ۶۱.۶۸۹ | ۴.۹۹۲ | ۱.۹۹۷ | ۶۷.۰۹۲ | ۴.۲۰۸ | ۱.۶۸۳ | ۷ |
| ۶۶.۳۸۹ | ۴.۷۰۰ | ۱.۸۸۰ | ۷۱.۰۵۶ | ۳.۹۶۵ | ۱.۵۸۶ | ۸ |
| ۷۱.۰۷۹ | ۴.۶۹۰ | ۱.۸۷۶ | ۷۴.۳۲۳ | ۳.۲۶۷ | ۱.۳۰۷ | ۹ |
| ۷۵.۶۳۹ | ۴.۵۶۰ | ۱.۸۲۴ | ۷۷.۱۴۱ | ۲.۸۱۸ | ۱.۱۲۷ | ۱۰ |
| ۷۹.۷۳۷ | ۴.۰۹۹ | ۱.۶۳۹ | ۷۹.۷۳۷ | ۲.۵۹۶ | ۱.۰۳۸ | ۱۱ |

جدول کل واریانس تبیین شده نشان می‌دهد که با توجه به دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، جمعاً سه عامل یا الگوی ذهنی را می‌توان شناسایی کرد. عواملی که دارای مقادیر ویژه بالای ۱ هستند. سه عامل جمعاً در حدود ۷۹/۷۳۷ درصد واریانس کل را تبیین و پوشش می‌دهند. بر اساس این جدول، عامل (الگوی ذهنی) اول ۲۱/۸۳۲ درصد واریانس کل و عامل آخر ۴/۰۹۹ درصد واریانس کل را تشکیل می‌دهند. در شکل زیر، نمودار سنگریزه داده‌های کیو نشان داده شده است. در این نمودار، عامل‌های با مقادیر ویژه بالای ۱ یا همان الگوی ذهنی اصلی کاملاً مشخص هستند.



نمودار ۲: سنگریزه داده‌های کیو

در جدول ۵ ماتریس چرخش یافته نشان داده شده است. با توجه به این ماتریس، افرادی که در هریک از این یازده الگوی ذهنی قرار می‌گیرند، مشخص گردیده‌اند.

جدول ۵: ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

| افراد | الگو | | | | | | | | | | |
|-------|----------|----------|---|---|----------|----------|----------|---|---|------|----|
| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ |
| A۰۱ | | .۵۷ ۱ | | | | .۴۲ ۵ | | | | | |
| A۰۲ | | | | | | | .۶۷ ۵ | | | | |
| A۰۳ | .۵۷ ۹ | | | | | | | | | | |
| A۰۴ | | .۴۸ ۷ | | | .۵۰ ۶ | | | | | .۴۰۱ | |
| A۰۵ | .۶۴ ۴ | | | | | | | | | | |
| A۰۶ | | | | | | .۸۳ ۷ | | | | | |

| | | | | | | | | | |
|-----|----------|----------|----------|-----------|----------|----------|--|--|--|
| A۲۰ | | | ۱۲ ۷ | | | | | | |
| A۲۱ | | .۷۰ ۷ | | | | | | | |
| A۲۲ | .۵۹ ۰ | | | - .۴۲۵ | | | | | |
| A۲۳ | | | | | | .۶۷ ۰ | | | |
| A۲۴ | .۶۳ ۱ | | | | .۴۷ ۶ | | | | |
| A۲۵ | .۱۷ ۳ | | | | | | | | |
| A۲۶ | | | | .۱۷۴ | | | | | |
| A۲۷ | .۴۷ ۲ | | .۵۹ ۴ | | | | | | |
| A۲۸ | .۷۴ ۱ | | | | | | | | |
| A۲۹ | | | | | | .۱۴ ۲ | | | |
| A۳۰ | | | .۶۸ ۱ | | | | | | |
| A۳۱ | .۴۸ ۰ | | | | .۵۶ ۸ | | | | |
| A۳۲ | | .۴۵ ۰ | | | | .۴۹ ۲ | | | |

| | | | | | | | | |
|-----|----------|--|--|----------|----------|----------|--|------|
| A۳۳ | .۴۴ ۹ | | | | .۵۵ ۴ | | | |
| A۳۴ | | | | | | | | .۸۲۶ |
| A۳۵ | .۷۸ ۸ | | | | | | | |
| A۳۶ | | | | .۴۸ ۹ | .۴۰ ۶ | | | |
| A۳۷ | | | | .۸۲ ۹ | | | | |
| A۳۸ | | | | | .۴۳ ۷ | | | |
| A۳۹ | | | | | | .۶۲ ۶ | | |
| A۴۰ | | | | .۸۴۸ | | | | |

به منظور سهولت در شناسایی شرکت‌کنندگان تشکیل دهنده هر الگو، خروجی نرم افزار طوری تنظیم گردید که فقط بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۰/۴ را نمایش دهد، از این رو می‌توان گفت: مشارکت‌کنندگان شماره ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۸، ۳۵ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) اول را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۱ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) دوم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۳۰ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) سوم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۴، ۳۱، ۳۶، ۳۷ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) چهارم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۶، ۳۸ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) پنجم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۲، ۳۳، ۳۹ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) ششم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۱۶، ۲۳ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) هفتم را تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کنندگان شماره ۲۹، ۳۲ مشترکا عامل (الگوی ذهنی) هشتم را تشکیل می‌دهند.

تشکیل می‌دهند. مشارکت‌کننده شماره ۳۵ عامل (الگوی ذهنی) دهم را تشکیل می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۲ عامل (الگوی ذهنی) یازدهم را تشکیل می‌دهد.

۳-۵. تحلیل الگوی‌های ذهنی

در الگوی ذهنی اول، تأکید مشارکت‌کنندگان بر تأثیر ظرفیت تحلیلی، عملی و سیاسی فردی به عنوان اصلی‌ترین عامل ظرفیت سیاست برای مشارکت سیاسی زنان تشخیص داده شده و سپس با قدرت عاملیت کمتر ظرفیت تحلیلی، عملیاتی و سیاسی سازمانی تأثیرگذار تعیین شده است. در این الگوی ذهنی، افراد کارکردی برای ظرفیت تحلیلی، عملیاتی و سیاسی سیستمیک در مشارکت زنان قائل نشده‌اند. در الگوی ذهنی دوم، تأکید مشارکت‌کنندگان بر تأثیر ظرفیت تحلیلی، عملیاتی فردی به عنوان اصلی‌ترین عاملی ظرفیت سیاست برای مشارکت سیاسی زنان تشخیص داده شده و سپس عاملیت ظرفیت سیاسی سیستمیک، تأثیرگذار تعیین شده است. در این الگوی ذهنی، کارکرد ظرفیت سیاست سازمانی نیز بصورت نسبی پس از ظرفیت سیاست سیستمیک تأثیرگذار بیان شده که بر این اساس این دو عامل تحت تأثیر ظرفیت سیاست فردی در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار هستند. در الگوی سوم تأکید مشارکت‌کنندگان بر تأثیر ظرفیت تحلیلی، عملیاتی و سیاسی فردی به عنوان اصلی‌ترین عامل ظرفیت سیاست برای مشارکت سیاسی زنان تشخیص داده شده و سپس ظرفیت سیاسی سازمانی به عنوان محرک تشدیدکننده ظرفیت سیاست در شکل فردی معرفی شده است. در این الگوی ذهنی ظرفیت سیاست سیستمیک نیز عاملی با قدرت عاملیت کمتر برای مشارکت سیاسی زنان معرفی شده است. مهمترین وجه سه الگوی ذهنی همبسته که در بالا به آن اشاره شد، کم تأثیر دانستن ظرفیت سیاست سیستمیک (در هر سه وجه تحلیلی، عملیاتی و سیاسی) در رابطه با مشارکت سیاسی زنان است. این موضوع به معنای شکاف گسترده میان ظرفیت سیاست تعیین شده در سیستم برای پر کردن خلأهای خط‌مشی در وجه ظرفیت سیاسی سازمانی و فردی برای به‌کارگیری و مشارکت زنان است.

۶. نتیجه‌گیری

بر اساس الگوهای سه گانه ذهنی، تأثیر ظرفیت سیاست در نگرش فردی، سازمانی و سیستمیک در سه وجه تحلیلی، عملیاتی و سیاسی نتایج زیر به دست آمدند:

مهمترین عامل تأثیر گذار ظرفیت سیاست بر مشارکت سیاسی زنان، عامل‌های «ظرفیت تحلیلی فردی» است که به ترتیب گزاره‌های؛ الف) «نگرش مردسالارانه در سیاست اجرایی بر تحلیل فردی مجریان و بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر دارد» با مجموع رتبه ۷۵ ب) «ایدئولوژی جنسیتی دولتی در شکل فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است» با مجموع رتبه ۶۹ و ج) «باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل فردی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است» با مجموع رتبه ۶۵ است. پس از این عامل، تأثیرگذارترین عامل «ظرفیت تحلیلی سازمانی» است که با گزاره‌های الف) «باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است» با مجموع رتبه ۵۷ ب) «نگرش مردسالارانه در سیاست اجرایی که جنبه سازمانی دارد بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر دارد» با مجموع ۵۶ رتبه تأیید شده است. الگوی ذهنی تأیید شده ظرفیت تحلیلی سازمانی نیز مرتبط با باورهای فرهنگی مذهبی مردانه در شکل سازمان است که هماهنگ با عامل تأیید شده سوم در شکل فردی تحلیلی است. پس از آن «ظرفیت سیاسی سازمان» با گزاره‌های الف) «ابلاغ افزایش ۳۰ درصد بیشتر شدن مشارکت زنان نخبه در پست‌های مدیریتی در انتصاب آنها و مشارکتشان تأثیر داشته است» با مجموع رتبه ۴۲ و ب) «ایدئولوژی جنسیتی دولتی در شکل سازمانی در مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر داشته است» با مجموع رتبه ۳۷ تأیید شده است. عواملی که در بُعد سیستمیک و در وجه عملیاتی (ظرفیت عملی سیستمیک) تأیید شدند، گزاره‌های الف) «نگرش مردسالارانه در سیاست

اجرایی که شکلی سیستمیک است بر مشارکت سیاسی زنان نخبه تأثیر دارد.» با مجموع رتبه ۳۴ و ب) «فشارهای ایدئولوژیک در سطح عملیاتی با توجه به قرائت‌های مختلف از قانون و مفهوم رجل سیاسی بر ظرفیت عملی سیستمک و گسترش مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار بوده است» با مجموع رتبه ۳۲ هستند. الگوهای ذهنی بدست آمده نشان از ظرفیت خوب قانونگذاری در حیطه مشارکت سیاسی زنان نخبه دارد و مهمترین اشکال برای عدم مشارکت در درجه اول، تأثیر نگرش‌های فردی و سازمانی در حوزه فردی و سازمانی است. ضرورت دارد که برای اعمال قانون‌های تسهیل کننده موجود در جهت مشارکت سیاسی زنان نخبه، به افرادی توجه شود که در انتهای این زنجیره برای عملیاتی کردن قانون‌های مربوطه هستند. بحث فرهنگ‌سازی برای افراد ذی‌ربط از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا الگوی ذهنی غالب نشان می‌دهد که مهمترین فاکتور، رسوخ نگرش مردسالارانه در تحلیل افراد برای مشارکت سیاسی زنان نخبه است و این موضوع تنها با فرهنگ‌سازی و آموزش این افراد درباره توانایی‌های زنان نخبه در مشارکت سیاسی قابل انجام است.

۱. Howlett
۲. Donald J Savoie
۳. Guy Peters
۴. Wu
۵. Milbraith
۶. Michael Rush
۷. Robert A. Dahl
۸. Painter
۹. Pierre

یادداشت‌ها

کتابنامه

- ۱- ابطحی، صفی نازالسادات (۱۳۹۴). «توانمندسازی زنان و مشارکت سیاسی در ایران، مطالعه موردی؛ دوره جمهوری اسلامی»، فصلنامه سیاست، شماره هفت: ۸۲-۶۵.

۱۰. Moore

۱۱- Varimax

- ۲- احمدی، علی (۱۳۸۳). مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی سیاسی - حقوقی جایگاه، ساختار و کارکردها، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۳- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۹۱). بهار جنبش زنان (۲۰ سال کار علنی)، تهران: مولف.
- ۴- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۱). صحیفه‌ی نور، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ۵- امین، محمد (۱۳۷۲). مجموعه قوانین اساسی مدنی، تهران: خورشید.
- ۶- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). جامعه شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نی.
- ۷- پویا، علیرضا، لقمانی، هدیه (۱۳۹۲). «راهبرد پژوهشی روش شناسی کیو»، توسعه سازمانی پلیس، شماره ۴۵: ۱۰۶-۸۷.
- ۸- پیشگاهی، زهرا، زهدی گهرپور، محمد (۱۳۸۹). «بررسی جایگاه و نقش زنان خاورمیانه در مشارکت سیاسی»، زن و جامعه، شماره اول: ۴۴-۲۵.
- ۹- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۵). «چهار ارزیابی جامعه‌شناختی از موقعیت زنان ایران (۸۴-۱۳۷۶)»، رفاه اجتماعی، شماره ۲۱: ۷۱-۳۹.
- ۱۰- حسنی، حسن (۱۳۶۹). مقامات عالی قوه‌ی مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آن، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- خوشگویان‌فر، علیرضا (۱۳۸۶). روش شناسی کیو، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- ۱۲- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: سمت.
- ۱۳- رامین مهر، حمید و چارستاد، پروانه (۱۳۹۴). روش تحقیق کمی با کاربرد مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم/فزار لیزرل، تهران: ترمه.

- ۱۴- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). *دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: سروش.
- ۱۵- صمدی‌راد، انور (۱۳۸۵). «مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۱: ۱۲۱-۹۹.
- ۱۶- عباس نیا، اکرم و مصفا، نسرین (۱۳۹۰). «مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه توانمندسازی زنان در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۴ مطالعه کمی»، *تحقیقات زنان*، شماره ۱: ۳۳-۱.
- ۱۷- علیزاده، جواد (۱۳۸۲). *تحلیلی بر قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به ضمیمه بررسی لایحه جدید قانون انتخابات*، تهران: فرس.
- ۱۸- فیلیپس، آن (۲۰۱۴). *نمایندگی زنان*، ترجمه آموزشکده توانا، تهران: آموزشکده الکترونیکی توانا.
- ۱۹- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۰- مختاری، محمد (۱۳۷۸). *چشم مرکب*، تهران: قومس.
- ۲۱- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۶). *نظریات شورا در باره مصوبات مجلس شورای اسلامی و قانون اساسی*، تهران: سروش.
- ۲۲- مصفا، نسرین (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۳- میرعلی، زینب، شهبازی، محبوب (۱۳۹۱). *پارلمان تک جنسیتی*، تهران: هزاره ققنوس.
- ۲۴- واعظی، هدی‌السادات (۱۳۹۷). «مشارکت سیاسی زنان و نقش آن‌ها در مناصب سیاسی-اجرایی، مطالعه موردی تهران در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۶۸»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۲۵- هاولت، مایکل و رامش، ام (۱۳۸۰). مطالعه خط‌مشی عمومی، ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

- ۲۶- Healey. Pasty, Claudia. de Magalhaes, Ali Madanipour, and John Pendlebury, (۲۰۰۳). *Place, identity and local politics: anabzing initiative in deliberative governance*, Cambridge Cambridge University Press.
- ۲۷- Hoodfar. Homa & Tajali. Mona, (۲۰۱۱). *Electoral politics, making quotas, work for women*, London, women living under muslim kaws.
- ۲۸- Howlett. Michael, (۲۰۰۹). "Policy Analytical Capacity and Evidence-based Policy-making: Lessons from Canada," *Canadian Public Administration*, vol. ۵۲, Issue ۲.
- ۲۹- Innes. Judith, and David E. Booher, (۲۰۰۲). *Collaborative planning as capacity building changing the paradigm of governance Association of European School of plants Conference*, UC Berkeley, Institute of Urban and Regional Development.
- ۳۰- Painter. M & Pierre. J, (۲۰۰۵). *Unpacking Policy Capacity: Issues and Themes. In Challenges to State Policy*

Capacity, Edited by Hampshire and Newyork: Palgrave MacMillan.

۳۱- Parsons. Wayne, (۲۰۰۴). *Not Just Steering but Weaving: Relevant Knowledge and the Craft of Building Policy Capacity and Coherence*, Australian Journal of Public Administration, vol. ۶۳, Issue ۱.

۳۲- Tuler. et al, (۲۰۰۵). *Selecting The Right Tool for Evaluations: Guidance for Community Involvement Practitioners*, EPA's Public Involvement Policy is Available at: [www.epa.gov/public_involvement/pdf/Policy ۲۰۰۳](http://www.epa.gov/public_involvement/pdf/Policy_۲۰۰۳).